

خبرنامه کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران

اعتراض به دولت ترکیه بخاطر استرداد پناهجویان ایرانی

اقدامات اخیر دولت ترکیه علیه پناهجویان ایرانی مقیم این کشور و بازپس دادن آنها به دولت ایران، واکنشهای مختلفی را در کشورهای غربی برانگیخته است. از جمله، روبر وردیه، رئیس کمیسیون مسایل بین‌المللی جامعه حقوق بشر فرانسه طی سه نامه پیاپی، ۲۸ آوریل و ۵ مه به سفیر ترکیه در پاریس و نخست وزیر ترکیه، از مقامات این کشور خواست که اخراج پناهجویان ایرانی را متوقف کنند. او در نامه‌های اعتراضی خود تاکید کرده است که این موضوع را در مراجع بین‌المللی پیگیری خواهد کرد.

گروهی از ایرانیان مقیم برلین نیز در اعتراض به اقدامات دولت ترکیه، با همکاری حزب سبزهای آلمان، روز جمعه ۱۲ مه ۲۲/۹۵ اردیبهشت ۷۴، یک کنفرانس مطبوعاتی برای افشای این اقدامات ترتیب دادند. در این کنفرانس، اطلاعاتی در باره وضع خطرناک پناهجویان ایرانی در ترکیه و رفتار دولت ترکیه با آنها در اختیار مطبوعات گذاشته شد. نماینده سبزه‌ها تاکید کرد که نمایندگان این حزب در پارلمان آلمان برای متوقف کردن جریان تحویل پناهجویان ایرانی مقیم ترکیه به رژیم جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند. او گفت آنها سعی خواهند کرد مقدمات پذیرش برخی از این پناهجویان را در آلمان فراهم کنند.

در همین روز عده‌ای از ایرانیان مقیم برلین در مقابل سفارت ترکیه جمع شدند و اعتراض خود را نسبت به اقدامات دولت ترکیه علیه پناهجویان ایرانی ابراز داشتند.

تشکیل حقوق بشر اسلامی در ایران

بنابر گزارش خبرگزاری د.پ.آ (خبرگزاری آلمان)، دولت ایران در ماه آوریل ۹۵ تاسیس کمیسیون اسلامی حقوق بشر را اعلام کرد. به گفته مسئولین دولت ایران، هدف این کمیسیون افشای نقض حقوق بشر در جهان است و به این منظور با همه سازمانهای حقوق بشر در سطح بین‌المللی همکاری خواهد کرد.

پناهندگی ۶ عضو تیم ملی کاراته ایران

شش تن از اعضای تیم ملی کاراته ایران روز یکشنبه ۲۳ آوریل/۳ اردیبهشت، پس از شرکت در مسابقات جهانی کاراته در کینهاگ، دانمارک، از دولت این کشور تقاضای پناهندگی کردند. یکی از این قهرمانان پناهجو گفت: «... ما می‌خواهیم اعتراض جامعه ورزشکاران را به گوش جهانیان برسانیم» (کیهان لندن، شماره ۵۵۳، ۷ اردیبهشت ۷۴)

دفاع نویسندگان سوئدی از «متن ۱۳۴» نویسنده

۱۳۹ نویسنده سوئدی، عضو اتحادیه نویسندگان سوئد، پشتیبانی خود را از «متن ۱۳۴» نویسنده ایرانی، ابراز کردند. نویسندگان سوئدی در نشست بهاره خود در ششم ماه مه/۱۶ اردیبهشت ضمن قبول متن دفاعی روشنفکران و نویسندگان فرانسوی (خبرنامه شماره ۱۵، فروردین ۷۴) اعلام کردند که از بیانیته نویسندگان ایرانی در دفاع از آزادی اندیشه و بیان در ایران حمایت می‌کنند.

دستگیری خانمهای خارجی «بدحجاب»

روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت/۸ ماه مه، صدها زن خارجی به اتهام «بدحجابی» در تهران دستگیر شدند. مأموران انتظامی گفتند «این خانمها حجاب اسلامی را جدی نگرفته بودند». به نوشته روزنامه لیبراسیون چاپ پاریس، ۱۰ مه ۹۵، دستگیرشدگان از اهالی کشورهای آسیای مرکزی و عمدتاً از ترکمنستان، آذربایجان و ازبکستان بودند. آنها روسری اسلامی داشتند ولی مانتو بلند که از الزامات حجاب اسلامی است بر تن نداشتند.

فروش مخفیانه اسلحه به ایران

هفته نامه فرانسوی اکسپرس در ۲۳ آوریل ۹۵، طی گزارش ویژه‌ای فاش کرد که کمی پیش از شروع محاکمه متهمان به قتل شاپور بختیار و سروش کتیبه در پاریس، دولت فرانسه برای جلب رضایت ایران، تعدادی موشکهای هوا به زمین به این دولت فروخته است که از طریق الجزایر و قبرس به ایران حمل شده است. براساس گزارش مزبور، در این معامله، شارل پاسکوا وزیر کشور وقت فرانسه، نقش کلیدی داشته است.

پس از انتشار این خبر، وزارت کشور و کاخ نخست وزیری فرانسه با انتشار اطلاعیه‌های جداگانه‌ای این خبر را تکذیب کردند. سفارتخانه‌های ایران، الجزایر و قبرس، در پاریس، نیز خبر را غیرواقعی خواندند. اما اکسپرس در شماره ۲۹ مارس خود دوباره بر صحت خبر داده شده تاکید کرد.

گزارش شاهد عینی از تظاهرات اسلام شهر

صفحه ۲

۴۳ نفر در خطر اعدام قرار دارند

چهل و سه تن از زندانیان سیاسی ایران در معرض خطر اعدام قرار دارند. به موجب اطلاعاتی انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران و نیز مطبوعات فارسی زبان خارج از کشور، بعد از تظاهرات مردم اسلام شهر و اکبرآباد و دستگیری تعداد زیادی از تظاهرکنندگان، مقامات ایرانی تصمیم به اعدام گروهی از زندانیان گرفتند. این عده، که در بین آنها تعدادی از هموطنان بهایی نیز وجود دارند، در زندانهای مختلف ایران محبوس‌اند. انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران، با صدور اطلاعیه‌هایی در این زمینه و با مراجعه به مجامع بین‌المللی دفاع از حقوق بشر، خواستار کمک برای نجات جان این زندانیان شده است.

اختلاف بر سر قتل سلمان رشدی

خبرگزاری فرانسه در نوزدهم آوریل/۳۰ فروردین خبر داد که اتحادیه اروپا رسماً از جمهوری اسلامی خواست که از به قتل رساندن سلمان رشدی، نویسنده انگلیسی دست بردارد. سفیران سه کشور فرانسه، اسپانیا و آلمان در تهران مأموریت یافتند این تصمیم را به اطلاع دولت ایران برسانند.

به دنبال این خبر، به نوشته روزنامه انقلاب اسلامی در هجرت، شماره ۳۵۸، اردیبهشت ۷۴، در ۲۰ آوریل رفسنجانی گفته «حکومت ایران کسی را برای کشتن رشدی اعزام نخواهد کرد». اما روزنامه جمهوری اسلامی از قول حسن صانعی نوشت: اجرای حکم اعدام رشدی بر همه مسلمانان واجب است. او اضافه کرد که «جایزه تعیین شده سود بسیار به بار آورده و سودش نیز به اجراکننده حکم داده خواهد شد!» چند روز بعد، پنجم اردیبهشت روزنامه کیهان نیز به ولایتی وزیر امور خارجه اعتراض کرد که چرا پیشنهاد اتحادیه اروپا را رد نکرده و آن را «قابل گفتگو» دانسته است.

دستگیری متهمان انفجار بوئنوس آیرس

پلیس پاراگوئه، بنا بر اطلاعاتی که مقامات پلیس اسرائیل در اختیارش گذاشتند، هفت تن را به جرم دست داشتن در انفجار «مرکز هیئتی یهودیان» در بوئنوس آیرس، ۱۸ ژوئیه ۹۴، (خبرنامه، شماره‌های ۸، ۹ و ۱۴) دستگیر کرد. پلیس پاراگوئه در تفتیش خانه‌های این افراد، علاوه بر اسلحه، شماره تلفنهایی از افراد حزب‌الله وابسته به ایران را یافته است. (انقلاب اسلامی در هجرت، شماره ۳۵۸، اردیبهشت ۷۴)

«مهمترین حزب در ایران مذهب تشیع است»

علی محمد بشارتی وزیر کشور جمهوری اسلامی در گفتگویی که روزنامه ایران بین او و مردم ترتیب داده بود درباره فعالیت احزاب سیاسی در ایران گفت: ما خاطره خوشی از فعالیت احزاب سیاسی در سالهای پیش از انقلاب نداریم. به این علت احزاب نتوانستند پایدار باشند و من عقیده دارم مهمترین حزب در ایران مذهب تشیع است که تمام مردم عضو این تشکل بزرگ هستند و حق عضویت خود را تحت عنوان خمس و زکوه می‌پردازند.»

وزیر کشور در پاسخ یک نفر که پرسید فکر می‌کنید که آنتنهای ماهواره‌ای به سرنوشت ویدئو دچار می‌شود؟ گفت: «ویدئو را می‌شود پنهان کرد ولی آنتنهای ماهواره‌ای را، در سطح فعلی تکنولوژی، باید در روی پشت بام قرار داد و طبیعتاً نمی‌تواند از چشم کسی دور بماند. او اضافه کرد که برنامه‌های ماهواره‌ای بینندگان را فاسد می‌کند و بطوری که بررسیها نشان داده ۳۷ درصد از خلفاکاران و عاملان فساد که دستگیر شده‌اند در خانه‌های خود از برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای استفاده کرده‌اند.» (کیهان لندن، شماره ۵۳۳، ۷ اردیبهشت ۷۴)

«آنتنهای شیطنی» جمع آوری شد

مہلت جمع‌آوری داوطلبان «آنتنهای شیطنی» عامل «تهاجم فرهنگی غرب»، در ۲۰ فروردین ۹۱ آوریل، پایان یافت. به گفته شاهدان عینی، عده‌ای از مردم، آنتنهای را از پشت باسهاشان باز کردند تا از هجوم پاسداران و مأموران انتظامی به خانه‌هاشان جلوگیری کرده باشند. بنا به نوشته روزنامه فرانسوی لیبراسیون، ۱۸ آوریل/۲۹ فروردین، جریمه داشتن آنتن بین یک تا سه میلیون ریال (معادل ۱۲۵۰ تا ۳۷۵۰ فرانک فرانسه) است. همین روزنامه می‌نویسد در حال حاضر بر بام صد هزار ساختمان در تهران، آنتنهای ماهواره‌ای وجود دارد.

بقیه یادداشت...

این کشور صرفنظر کنند. معلوم نیست چرا امروز وضع باید جز این گردد؟ پرسشی است بجا و بمورد!

تروریسم دولتی جای تخفیف و چانه ندارد. دولتهای اروپایی تاکنون چندین بار بیهودگی این چانه‌زنها و تخفیفها و محدودیتها را آزموده‌اند. تروریسم دولتی در مرز هیچ کشوری باز نمی‌ایستد. یا هست و در این صورت همه‌جا هست و یا نیست که در این صورت همه‌جا قواعد زندگی بین‌المللی جاری و مرعی می‌ماند. کمترین توقع این که کشورها تصور نکنند که قتل بختیار، قاسملو و یا قتل هر ایرانی مخالف دیگر تنها قتل یک ایرانی است. این قتل پیش از و بیش از این که قتل یک پناهنده سیاسی خارجی باشد قتل حاکمیت سیاسی و حقوقی یک دولت است.

اکنون ایران با تحریم اقتصادی و مالی آمریکا روبه‌رو شده است. این تحریم می‌تواند بر دشواریهای زندگی مردم ایران بیفزاید و محرومیت‌های دیگری را بر ایشان تحمیل کند. مسئولیت اصلی چنین وضعی متوجه جمهوری اسلامی ایران است.

نامه سرگشاده شخصیت‌های سیاسی ایران

۸۶ تن از شخصیت‌های سیاسی کشور، طی نامه سرگشاده‌ای که در اردیبهشت ۷۴ خطاب به مردم ایران منتشر شده است، خواهان برقراری آزادیهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، آزادی فعالیت احزاب و گروهها و افراد، آزادی گفتن و نوشتن، رفع توقیف از روزنامه‌ها، لغو قوانین سانسور و انجام انتخابات آزاد شده‌اند.

گزارش شاهد عینی از اسلام شهر

گزارشی از چگونگی تظاهرات و حرکت‌های اعتراضی مردم اسلام شهر و اکبرآباد در جنوب غربی تهران، ۱۵ فروردین ۷۴/۴ آوریل، که دستگیریه و فشارهای روزافزونی را موجب شد، در اطلاعیه خبری سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، فروردین ۱۳۷۴، منعکس شده است. به موجب این اطلاعیه که گزارش مزبور را از قول شاهدان عینی نقل کرده است: در این حرکت ۲۰۰ هزار نفر از ساکنان شهرکهای اسلام شهر، سلطان‌آباد، میان‌آباد، اکبرآباد، گلستان، نوری، مجیدیه، واوان، قائمیه، موسی‌آباد و زرافشان، شرکت داشتند. این شهرکها، واقع در جنوب غربی تهران شامل منطقه وسیعی است که از پاسگاه نعمت‌آباد و چهاردانگه در ابتدای جاده ساوه تا سه راه آدران و رباط کریم، محدوده‌ای به طول ۲۸ تا ۳۰ کیلومتر را شامل می‌شود و در مجموع سه میلیون جمعیت دارد. اکثر این شهرکها فاقد آب لوله‌کشی دائم است و هر هفته فقط سه تا چهار ساعت می‌توانند از آب لوله‌کشی استفاده کنند. هر خانواده‌ای برای ذخیره آب، بشکه‌ای تهیه کرده است.

علاوه بر مشکل کمبود آب، در اسفندماه گذشته کرایه وسایل رفت و آمد بالا رفت و قیمت رسمی مواد سوختی دو برابر شد. ساکنان این مناطق اغلب کارگرانی هستند که در کارخانه‌های غرب و جنوب تهران کار می‌کنند و بخش عمده اهالی را کارگران فصلی ساختمانی و دستفروشهای کنار خیابانها تشکیل می‌دهند، بخشی نیز روستائینی هستند که در جریان مهاجرت روستائیان به شهر، به آنجا آمده‌اند. رفت و آمد به تهران و مناطق دیگر از مشکلات روزمره اهالی این مناطق است و خدمات شرکت واحد اتوبوسرانی در این شهرکها بسیار اندک است.

تظاهرات ۱۵ فروردین از اوایل صبح آغاز گردید. مردم در اعتراض به گران‌تر شدن کرایه مینی‌بوسها که به ۲۰ تومان رسیده بود، به شهرداری اکبرآباد می‌روند اما پاسخ قانع‌کننده‌ای دریافت نمی‌کنند. پس از ناامید شدن از شهرداری، راهی پاسگاه نیروهای انتظامی می‌شوند تا مشکل را با آنها مطرح کنند. مسئولین پاسگاه از وحشت این جمعیت انبوه، اعلام می‌کنند که ۴۸ ساعت فرصت می‌خواهند. مردم در جواب می‌گویند: «ما امروز می‌خواهیم به سر کار برویم و شما وعده ۴۸ ساعت دیگر را می‌دهید. دیگر صبر ما تمام شده است.» از همینجاست که تظاهرات آغاز می‌شود. لحظه به لحظه بر تعداد جمعیت افزوده می‌شود. بچه‌ها و نوجوانان پیشاپیش و زنان و مردان به دنبال آنان به طرف اسلام شهر حرکت می‌کنند. در بین راه عده زیادی به آنها می‌پیوندند. تظاهرکنندگان اقدام به تعطیل

کردن مغازه‌ها، ادارات و مدرسه‌ها می‌کنند. کسانی که از این کار خودداری می‌کردند با زور و تعطیلی اجباری روبه‌رو می‌شدند. در بین راه اموال اکثر فروشگاههای دولتی مصادره می‌گردد. در سلطان‌آباد یک فروشگاه شهر و روستا که بر روی دیوار آن تصویر بسیار بزرگ رفسنجانی نقاشی شده بود، تخریب می‌شود. بانک اسلام شهر مصادره و پول موجود در آن تقسیم می‌شود. جمعیت به قدری زیاد می‌شود که پایگاههای بسیج و پاسگاهها نمی‌توانند در مقابل آنها مقاومت کنند و در نتیجه اسلحه‌ها و دیگر وسایل آنجا به دست مردم می‌افتد.

خبر بلافاصله به تمام شهرکهای منطقه و تهران می‌رسد، مردم شهرکهای دیگر نیز به طرف اسلام شهر حرکت می‌کنند. تظاهرکنندگان در طول مسیر حرکت خود، دو پمپ بنزین، سه بانک، اداره بازرگانی و اداره آبیاری اکبرآباد، فروشگاه شهر و روستای سلطان‌آباد، یک پاساژ در شهرک گلستان، دیوارهای مجتمع شهید امین‌زاده، چند اتوبوس شرکت واحد و دو ماشین آتش‌نشانی را به آتش کشیده یا تخریب می‌کنند.

... حدود یازده صبح، رژیم توسط هلی‌کوپترهای هوایرد نیروهای ویژه گارد ریاست جمهوری وارد عمل شده و مردم را که در میان راه اسلام شهر و تهران بودند، هدف گلوله و گازهای اشک‌آور قرار می‌دهند. ... همزمان با این حمله وحشیانه، یک گروه فیلمبرداری دولتی نیز از تظاهرکنندگان عکس می‌گرفت... پس از یکساعت جنگ و گریز و کشته شدن سی تا چهل نفر، مردم متفرق می‌شوند. این درگیریها تا ساعت دو بعد از ظهر در بعضی از خیابانهای چند شهرک از جمله اکبرآباد، ادام می‌یابد. تظاهرکنندگان با حمله به ساختمان محل کار امام جمعه اسلام شهر، دو عدد اتومبیل متعلق به این مزدور را به آتش می‌کشند. امام جمعه نیز در حمایت مأموران مسلح، سوار بر ماشین در خیابانهای اکبرآباد به مردم حمله کرده و آنها را مورد اصابت قرار می‌دهد. سپاه با بستن راههای ورودی به این شهرکها، حکومت نظامی برقرار کرده و با بلندگو اعلام می‌کند که کسی حق ندارد از خانه خود خارج شود. تعداد زیادی از مردم دستگیر می‌شوند بطوری که پاسگاههای طول مسیر ملو از بازداشت شدگان می‌شود. دستگیریها در بعد از ظهر ابعاد گسترده‌تری یافته و دستگیرشدگان به تهران منتقل می‌شوند. مردم تا ساعت سه بعد از نیمه شب، در کوچه و خیابان به انتظار آزادی دستگیرشدگان خویش بوده‌اند.

... پس از کشتار و تسلط نیروهای سرکوبگر، سبیل نیروهای سپاه و گارد شهربانی به طرف این شهرک سرازیر گشته و از طرف دیگر به تمام نیروهای بسیج کارگری کارخانه‌های اطراف و جاده کرج اعلام آماده‌باش داده می‌شود که تا شب در منطقه بمانند.

از صبح روز بعد در تمام شهرکها، گارد شهربانی با کلاه‌خود و باطومهای چوبی، وجب به وجب ایستاده بودند. روز ۱۶ فروردین نیروهای بسیجی که از مناطق دیگر آورده شده بودند، دست به تظاهراتی به نفع رژیم می‌زنند. بلافاصله نیز چند دستگاه اتوبوس نو از طرف شرکت واحد به هریک از شهرکها اختصاص می‌یابد و کرایه‌ها نیز به حد گذشته (۱۰ تومان) تنزل داده می‌شود.

- جزو وظایف و اوک و واحد قدس اجرای عملیات تروریستی در خارج از کشور - از جمله در آلمان - است و تعقیب و به قتل رساندن مخالفان حکومت در خارج به عنوان امر داخلی تلقی می شود.

- MOIS از ۸۷-۱۹۸۶ در سفارت ایران در بن درای مقری است که در یک طبقه حفاظت شده سفارتخانه مستقر است و اتاق مخابرات با ۲۰ کارمند دارد.

- مقر MOIS در بن به عنوان مرکز سازمان اطلاعاتی ایران در اروپای غربی عمل می کند.
- سازمانهای مذکور، یا سازمانهای دیگر، به خواست آنها، علاوه بر سوء قصد ۱۷ سپتامبر ۹۲، سوء قصدهای دیگری در آلمان یا کشورهای دیگر غربی، مثلاً فرانسه و اتریش، را به اجرا درآورده اند یا سعی در به اجرا درآوردن آن داشته اند.

۱۳ آوریل/۲۴ فروردین یک لبنانی به نام اسماعیل الموسوی به دادگاه احضار شد. او در نوامبر ۹۴ نیز شهادت داده بود. این بار وکیل او نیز که همراهش به دادگاه آمده بود گفت شاهد در موقعیتی نیست که بتواند بیش از آنچه دفعه قبل گفته است شهادت بدهد، چون بار قبل در معرض خطر قرار گرفت و به کمک پلیس خانه اش را عوض کرد و اکنون نیز تحت مراقبت قرار دارد. به علاوه افراد خانواده اش نیز در نامه ای از او خواسته اند دیگر حرفی نزنند چون احساس خطر می کنند.

شاهد در پاسخ سوالات رئیس دادگاه گفت من در لبنان عضو حزب الله بودم، وقتی بین امل و حزب الله جنگ شد من دیگر نمی توانستم آنجا بمانم، نمی توانستم صدای خمپاره بشنوم و رنگ خون را ببینم. به آلمان آمدم. او گفت وقتی بعد از بازجویی از طرف پلیس در مورد حادثه میکرونوس، به لبنان رفتم در آنجا یکی از افراد حزب الله به من گفت که در آلمان در قبال دوستان حزب اللهی رفتار ناشایستی داشته ام. آنها مرا تهدید کردند که اگر جبران نکنم تنبیه خواهم شد. فکر می کنم آنها انتظار داشتند من حرفهایم را پس بگیرم.

شاهد گفت از پاسخ دادن به پرسشهای خودداری می کند و اضافه کرد: یا اینکه من اینک تحت نظر پلیس زندگی می کنم و شماره تلفنم را فقط نزدیکان خودم دارند، آنها به من تلفن می کنند و تهدید می کنند.

در جلسه ۲۰ آوریل، لبنانی دیگری به نام ابراهیم الموسوی در جایگاه شهود حاضر شد. او که در لبنان زندگی می کند و برای ادای شهادت به برلین آمده است در سال ۹۳ از طرف پلیس آلمان بازجویی شد و به لبنان برگشت و این بار نیز فقط برای ادای شهادت به برلین آمده است. این شاهد نیز قبلاً، از سال ۸۳، عضو حزب الله لبنان بوده است و با امین و رایبل آشنا بوده است. او گفته بود که امین و رایبل برای گذراندن دوره غواصی به ایران رفته اند. و اضافه کرده بود که آنها آدمهای معتقدی هستند.

او شرح داد که در دوران آموزشی حزب الله یک دوره اسلحه شناسی دیده و اکنون با هر اسلحه ای می تواند کار کند. کار با مواد منفجره را هم آموخته است.

می پیوندند. تظاهرکنندگان اقدام به تعطیل شاهد نه تنها سعی می کرد به سوالات دادگاه در مورد مسایلی که در بازجویی سال ۹۳ گفته بود پاسخ ندهد بلکه سعی داشت آنها را کم اهمیت تر و کم رنگ تر کند. مثلاً گفت من نمی دانم امین و رایبل به ایران رفته اند یا نه. من فقط امین را شنیده ام. من با آنها نبوده ام و گذرنامه هاشان را ندیده ام. شاهد گفت این دو متهم را بعداً در واحد دریایی حزب الله لبنان دیده بوده است.

۲۱ آوریل، وکیل دارایی نامه ای به دادگاه داد مبنی بر تقاضای احضار ۹ نفر به دادگاه که می توانند شهادت بدهند که دارایی در نمایشگاه سبز برلین در سال ۹۲، نماینده ایران نبوده است، و اینکه نمایشگاه خصوصی بوده و دارایی به کنسولگری ایران مراجعه کرده و کارت تشکیل غرفه در آنجا را گرفته است. این تقاضا نامه علاوه بر تقاضا نامه های دیگری است که وکلای دارایی در دو ماه اخیر به دادگاه داده اند و تقاضاهای جدید را مطرح کرده اند، از جمله احضار شهود جدید.

شناسایی تلفنهای دارایی
بعد از این، آقای جواد دبیران، نماینده سازمان مجاهدین در آلمان، به جایگاه شهود احضار شد. شهادت او مربوط به نامه ای بود که خود او در سال ۹۳ به دادگاه نوشته و ادعا کرده بوده است که یکی از تلفنهایی را که دارایی در سپتامبر ۹۲، در فردای ترور، با آنها در تهران تماس گرفته بوده است، شناسایی کرده و می داند شماره تلفن متعلق به شخصی به نام اشرف زانی، عضو نیروهای انتظامی شهر تهران است.

شاهد از پاسخ به سوال رئیس دادگاه در مورد اینکه چگونه توانسته است این شماره را شناسایی کند خودداری کرد و گفت با توجه به وضع ایران حاضر نیست نام کسی یا کسانی را ذکر کند و آنها را به خطر بیندازد. این مسئله مورد اعتراض وکیل دارایی قرار گرفت.

بیست و هفتم آوریل/هفتم اردیبهشت، باز هم یک لبنانی به نام شوقی کنج در دادگاه حاضر شد. او هم که در سال ۹۳ بازجویی شده بود از لبنان آمده بود تا به پرسشهای دادگاه پاسخ دهد. او هم قبلاً عضو حزب الله لبنان بوده و امین و رایبل را از همانجا می شناسد و هر سه آنها در جنوب لبنان در واحد دریایی حزب الله فعال بوده اند.

این شاهد نیز در دادگاه حاضر نشد اظهارات خود در بازجویی سال ۹۳ را تکرار کند و صراحت بخشد. او گفت آن حرفها را از ترس پلیس بر زبان آورده است. رئیس دادگاه بخشی از سوال و جوابهای او را با پلیس در زمان بازجویی، در دادگاه خواند. او در آن موقع هم در پاسخ بسیاری از سوالها گفته بود نمی دانم و یا از پاسخ طفره رفته بود. ماسک ضدگاز

جلسه پنجمین چهارم/۱۴ اردیبهشت با شهادت عدنان ایاد آغاز شد. همسر کاظم دارایی فامیل اوست و با متهم ایاد هم نسبت دور فامیلی دارد. او گفت: با دارایی بعد از ازدواجش با خدیجه آشنا شدم. او در این زمان دارای یک فروشگاه مواد غذایی و سبزی بود که آتش گرفت و آن را فروخت. سپس با هم شریک شدیم و سرانجام در سال ۹۱ دارایی و برادرش و من و برادرم شرکت با مسئولیت محدود (دارایی - ایاد) را با سرمایه ثبتی پنجاه هزار مارک تشکیل دادیم. بعد هم یک شرکت واردات و صادرات درست کردیم. رابطه تجاری ما با

شاهد در پاسخ به این سوال که آیا شرکت شما ماسک ضدگاز خریده و صادر کرده است گفت: بعد از جنگ عراق و آمریکا تقاضاهایی برای ماسک ضدگاز به ما رسید. ما هم به دنبال تولیدکننده رفتیم ولی چیزی دیگری به یادم نیست. چیزی هم صادر نکردیم.

در مورد روز ۱۷ سپتامبر ۹۲ شاهد گفت: روز شانزدهم از ایران یک فاکس به ما رسید که می بایست ۵۰۰۰۰ مارک به ایران می فرستادیم. من پول را از بانک گرفتم. دارایی در برلین نبود. به خانه ثقفی در الدنبرگ زنگ زدم، آنجا هم نبود ولی یک شماره به من دادند؛ فکر می کنم در هامبورگ، به آنجا زنگ زدم و به دارایی گفتم بیاید و پول را بگیرد و به حساب طلبکار در ایران بریزد. بعد از ظهر ۱۷ سپتامبر دارایی همراه یک نفر دیگر آمد و پول را گرفت.

عدنان ایاد در مقابل پرسشهای مکرر رئیس دادگاه در مورد اینکه دارایی را در چه ساعتی دیدید، طفره رفت و پاسخ روشنی نداد.

این جلسه به علت بیماری رئیس دادگاه تعطیل شد و ادامه شهادت عدنان ایاد به جلسه دیگری موکول شد.

گزارش جلسات دادگاه میکونوس در شماره های آینده خبرنگارمه دنبال می شود.

با خوانندگان

- هزینه تهیه و توزیع هر نسخه خبرنگارمه حدود ۲ دلار آمریکا، ۱۰ فرانک فرانسه، ۱ لیره انگلیس، ۲ فرانک سوئیس و ۳ مارک آلمان است. با کمک مالی خود بخشی از این هزینه ها را تأمین کنید.

- با ارسال وجه نقد، چک یا حواله بانکی، تمبر پست و کوپن بین المللی پستی می توانید به تداوم خبرنگارمه یاری رسانید.
- در توزیع بیشتر خبرنگارمه سهیم و شریک شوید. خبرنگارمه را بخوانید و به دیگران بدهید.

- تکثیر و توزیع خبرنگارمه و نقل مطالب آن با ذکر مأخذ آزاد است.

- در پاسخ نامه ها و ذکر کمکهای رسیده فقط حروف اول نام و نام خانوادگی افراد و کشور محل اقامت ذکر می گردد.

کمکهای مالی این دوستان به کمیته رسیده است:

- خانم ص.، انگلیس.
- خانم ا.، پاریس.
- انجمن فرهنگی نیما، لیل (فرانسه).
- آقای ک.، پاریس.
- آقای ص.، پاریس.
- آقای ط.، آمریکا.

نشانی کمیته:

Comité Iranien Contre la Répression et le Terrorisme d'État (C. I. C. R. E. T. E.)
42, rue MONGE
75005 PARIS - FRANCE
FAX 43 44 14 52

یادداشت

رئیس جمهور آمریکا بیل کلینتون در روز یکشنبه ۳۰ آوریل/۱۰ اردیبهشت، در برابر کنگره جهانی یهود در نیویورک اعلام کرد که از این پس هرگونه سرمایه‌گذاری آمریکایی در ایران و یا مبادله بازرگانی میان دو کشور موقوف و ممنوع می‌شود. چرا که جمهوری اسلامی ایران نه تنها بی‌توجه به تعهدات بین‌المللی خود، مجدانه در پی ساختن سلاحهای اتمی است بلکه هم در راه استقرار صلح در خاورمیانه سنگ می‌اندازد و هم «از تروریسم بین‌المللی حمایت می‌کند». کلینتون گفت: «ایران نقش خود را به عنوان الهام‌بخش و تأمین‌کننده منابع مالی تروریسم تقویت کرده است.»

باید گفت که امروز دیگر جهان و جهانیان حکومت اسلامی ایران را به عنوان یکی از کانونهای فعال تروریسم دولتی می‌شناسند. و هر چند گاه، سیاست تروریسم دولتی ایران از سوی یک مرجع معتبر جهانی (کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، مجمع عمومی ملل متحد، مجلس اروپا، عضو بین‌الملل، ...) یا ملی (دادگاهها و مقامات قضایی سوئیس، آرژانتین، فرانسه، آلمان و...) افشاء و محکوم می‌شود. امروز نیز رئیس جمهور آمریکا است که رسماً از فعالیت تروریستی دولت اسلامی صحبت می‌کند و این دولت را به دست یازیدن به تروریسم دولتی متهم می‌کند.

به نوشته روزنامه فرانسوی لوموند، سوم مه ۱۳/۹۵ اردیبهشت «در این زمینه اتهاماتی چنان متعدد و از منابع چندان گوناگون بر ایران وارد است که به دشواری بتوان به تکذیبهای این کشور باور داشت.»

در برابر این فعالیتهای تروریستی جمهوری اسلامی، سیاست کشورهای اروپایی و آمریکایی کدام است و واکنش جمهوری اسلامی نسبت به این «اتهامات» بیش از پیش منسجم چیست؟

رفتار و کردار جمهوری اسلامی در این زمینه بسیار پرمعنی است: از سویی یکسره هرگونه اشاره‌ای به نقش ایران در تروریسم دولتی را توطئه سیاه و اتهام بی‌پایه می‌دانند، از سوی دیگر هر زمان از زبان این مقام مسئول یا آن کارمند بلندپایه تکرار می‌کنند که از قلع و قمع و قتل مخالفان، هر کجا که باشند، باز نخواهند ایستاد. این همه در حالی است که همزمان، رئیس جمهوری اسلامی اعلام می‌کند که در واقع امر بزرگترین و مظلومترین قربانی تروریسم، جمهوری اسلامی ایران است (مصاحبه هاشمی رفسنجانی با شبکه تلویزیونی ا. بی. سی. آمریکا در ۱۵ مه. هرالده تریبون، ۱۷ مه ۹۵).

آنچه در این میان قابل توجه است نه تنها تناقض میان این ادعا و اظهارات آن وزیر اسلامی است که به ترور این و آن رهبر نیروهای مخالف افتخار می‌کند، بلکه سرپیچیدن مقامات ایرانی از هرگونه همکاری با مقامات قضایی کشورهای است که به پرونده متهمان به قتل این یا آن رهبر مخالف ایرانی رسیدگی می‌کند؛ اگر دولت اسلامی ایران، همچنان که ادعا می‌کند، «ریگی به کفش خود ندارد» چرا تاکنون اجازه نداده است که قاضیان تحقیق سوئیس، ایتالیایی، فرانسوی، آلمانی، اتریشی و... تحقیقات و بازپرسیهای خود را در ایران ادامه دهند؟ چرا هر زمان مصرانه خواستار شده است که متهمان به قتل (که معمولاً گذرنامه سیاسی و خدمت نیز در اختیار دارند) به ایران بازگردانده شوند؟ و برای مثال چرا وزیر اطلاعات و ارشاد اسلامی از همپایه آلمانی خود خواسته است که دادگاه میکنونوس برلین را متوقف کند؟ و بر این فهرست به آسانی می‌توان چراهای بسیار دیگری را افزود. آری، در این زمینه تنها تکذیب قابل قبول، می‌تواند همکاری ایران با دستگاههای قضایی باشد که به پرونده اتهامات تروریستی رسیدگی می‌کنند و عدم چنین همکاری به معنای تأیید صریح و بی‌پرده همه اتهامات است، تا آنزمان همچنان می‌باید حکومت تهران را امر و عامل ترور مخالفان دانست و آنچه را همه می‌دانند گفت و باز هم گفت که همه قتلها از قتل پهلوی و بختیار و کشاورز و رجوی، تا قتل چیتگر و فرخزاد و قاسملو و شرفکنندی، همه و همه در تهران برنامه‌ریزی شده است و مجریان این طرحهای جنایت‌بار، آدمکشان مزدور جمهوری اسلامی بوده‌اند.

آری، تروریسم دولتی، همچنان که بارها و بارها نوشته‌ایم و باز هم نوشته‌ایم، از محورهای اصلی بینش و عملکرد سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. و این قولی است که جملگی برآند.

در برابر این واقعیت خونین، رفتار و کردار دولتهای جهان چگونه است؟ در این رفتار و کردار به ندرت بتوان نشانی از صداقت یا نشانه‌ای از قاطعیت و استمرار دید. گویی در این زمینه همه چیز با نزدیک‌بینی و به دنبال ملاحظات و مصالح روزمره صورت می‌گیرد. اگر ناگهان هیاهویی می‌شود بیشتر برای تسکین افکار عمومی داخلی و یا خلع سلاح مخالفان محلی است تا اعتراض به تروریسم دولتی حکومت اسلامی ایران. (اینگونه است که برخی از ناظران در تصمیم اخیر رئیس جمهور آمریکا هم صداقتی نمی‌بینند: مدت‌هاست که جمهوریخواهان تحریم اقتصادی ایران را پیشنهاد می‌کنند و اکنون نیز به دنبال ملاحظات ناشی از سیاست داخلی آمریکا است که رئیس جمهور دموکرات آمریکا به چنین سیاستی دست می‌یازد.)

روزنامه لوموند، سوم مه، می‌نویسد: رئیس قوه مجریه آمریکا دادخواهان اعلام می‌کند که ایران از تروریسم حمایت می‌کند و همین روزنامه سپس می‌افزاید: «اکنون سالهاست که ایالات متحد و همه متحدانش این نکته را تکرار می‌کنند. برخی از ایاتن حتی در برهه‌ای از زمان، روابط سیاسی خود را با کشور ایران قطع کرده‌اند البته بی آن که از انجام معاملات یا دست می‌یازد.»

بقیه در صفحه ۲

دادگاه میکنونوس برلین در دنباله محاکمه متهمان به ترور جمعی رستوران میکنونوس در سپتامبر ۱۹۹۲، شهرد جدیدی را احضار کرد. مهمترین واقعه دادگاه در ماه مارس، قرائت گزارش گروه کار ایران در باره فعالیتهای سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی ایران بود.

در این ماه سه افسر پلیس جنایی و قضایی آلمان در دادگاه حاضر شدند. از جمله آقای شوت، مأمور تحقیق از امین، در ۱۷ مارس/۲۸ اسفند در دادگاه حاضر شد. او چگونگی تحقیقات خود و بردن امین به خانه دارابی و تمام سیرری که متهمان در شب ۱۷ سپتامبر ۹۲ طی کرده بودند تا به محل ترور برسند، گزارش داد و گفت براساس اعترافات امین که مأمور مراقبت از در ورودی رستوران بوده است، فهمیده‌اند که متهمین برنامه خود را چگونه ترتیب داده‌اند، چه سیرهایی را طی کرده‌اند تا به رستوران رسیده‌اند و ترور را انجام داده‌اند.

در ۳۰ مارس/۱۰ فروردین وکلای دارابی دو تقاضانامه به دادگاه داد که در آن دارابی عده‌ای را نام برده و خواسته بوده است به عنوان شاهد فعالیتهای او در روزهای ۱۳ تا ۱۸ سپتامبر ۹۲ به دادگاه بیایند. از جمله شخصی به نام روزی‌طلب که می‌تواند بگوید دارابی روز هفدهم را در برلین چه کرده است. دارابی قبلاً ادعا کرده بود که در آن روز در برلین نبوده است و اینک وکیل او مدعی است که او در آن روز به برلین آمده بود تا فرزندش را به پرستار بسپارد و ۵۰ هزار مارک از شریکش عدنان ایاد بگیرد. در ششم آوریل/۱۷ فروردین، شاهدهی به نام محمود کریمی، دانشجو، در دادگاه حاضر شد. او گفت از سال ۱۹۸۰ در آلمان و از سال ۹۰ در برلین ساکن است. اظهار داشت که متهمان دارابی، امین و رایلی را می‌شناسد. گفت که ابتدا با قاسم دارابی آشنا شده و از طریق او کاظم دارابی را شناخته است. او گفت در بازار برلین وسایل تزئینی می‌فروخته است ولی بعد به کمک قاسم دارابی که با او در مسجد آشنا شده بوده است به کار فروش لباس پرداخته است. شاهد گفت از طریق قاسم با برادرش کاظم دارابی آشنا شده است. آنها از کاظم دارابی لباس می‌گرفته‌اند و می‌فروخته‌اند.

شاهد در مقابل سؤال یکی از اعضای هیئت قضات که پرسید آیا شما به جمهوری اسلامی وفادار هستید؟ گفت: من مسلمان هستم و به مذهب خود وابسته‌ام.

تقاضای شهادت سه وزیر دولت آلمان
در این جلسه، یشکه و شیلی دو تن از وکلای مدافع شاکیان خصوصی، نامه‌ای به دادگاه ارائه دادند مبنی بر این تقاضا که وزیر کشور فعلی آلمان، وزیر کشور سابق و وزیر همکاریهای اقتصادی و توسعه آلمان به عنوان شاهد در دادگاه حاضر شوند. در این نامه آمده است: شاهدین شهادت خواهند داد که بنا بر اطلاعات دولت فدرال:

- سوء قصد رستوران میکنونوس در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ به رهبری مقر وزارت اطلاعات و امنیت ایران و در بن و با شرکت متهم دارابی طرح‌ریزی و زیر عنوان «بزرگ علوی» به اجرا در آمده است.

- در آلمان فدرال سه سازمان اطلاعاتی ایران
بقیه در صفحه ۳